

تحلیل نیروها و عوامل پیش برنده و بازدارنده توسعه متوازن در دهستان‌های استان لرستان^۱ حسن مرادی نصر^۲

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

عبدالرضا رحمانی فضل‌ی

دانشیار جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

رحمت اله منشی زاده

دانشیار جغرافیای انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

چکیده

سکونتگاه‌های انسانی به عنوان نظام‌های فضایی همواره تحت تاثیر نیروها و عوامل متعدد درونی و بیرونی و با حالت بازدارندگی و پیش برندگی این نیروها در حال تحول می‌باشند؛ که این مهم موجب پراکندگی متفاوتی از نظر جمعیت و فعالیت در عرصه‌های سکونتگاهی شده و زمینه‌ی نابرابری و عدم توازن را فراهم ساخته است. استان لرستان نیز به تبع اثرگذاری عوامل درونی و بیرونی در طی چند دهه گذشته توسعه نامتوازن فضایی را تجربه نموده است، به نحوی که در برخی مناطق نیروهای وادارنده توسعه و به تبع آن ساختارها و کارکردهای وادارنده توسعه شکل گرفته و در برخی مناطق نه تنها ساختارهای لازم شکل نگرفته بلکه در مواقعی نارسائی ساختاری موجب رکود کارکردی سکونتگاه‌ها در عرصه فضا شده است. پژوهش حاضر به دنبال تحلیل نیروها و عوامل درونی و بیرونی پیش برنده و بازدارنده ایجاد توسعه نامتوازن در استان لرستان از روش پژوهش تحلیلی-توصیفی، و از شیوه‌های تجزیه و تحلیل کمی و آماری بهره گرفته است. نتایج به دست آمده از پژوهش حاکی از این است که در کنار چگونگی اثرگذاری هر کدام از نیروهای درونی و بیرونی بر توسعه نامتوازن در سطح دهستان‌های استان لرستان اصلاح اندیشیده شده ساختاری-کارکردی در چارچوب توسعه محلی می‌تواند در حرکت به سمت توسعه متوازن و پایدار راهگشا باشد.

واژگان کلیدی: توسعه نامتوازن، توسعه، عوامل پیش برنده و بازدارنده، لرستان، ساختاری-کارکردی

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: موانع تحقق الگوی توسعه متوازن فضایی در مناطق روستایی استان لرستان، در دانشگاه شهید بهشتی می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) hmoradi2012@gmail.com

مقدمه

برخورداری متوازن و رعایت تعادل در دستیابی به شاخص‌های توسعه در کلیه ابعاد آن، به‌خصوص در سطح منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما یکی از چالش‌های اصلی دستیابی به توسعه پایدار با توجه به اصول تعریف شده برای آن است. چنانچه بپذیریم، جغرافیا « علم بررسی و شناخت ساختاری-کارکردی نظام‌های فضایی است » (saidi, 2012: 9-10) و پهنه‌ی کشور را یک نظام فضایی در نظر بگیریم؛ آنگاه در این نظام فضایی به دلایلی مانند گوناگونی محیط و منابع طبیعی در ترکیب با رویدادهای تاریخی و مداخله‌های سیاسی از یک سو و توان‌های فرهنگی و نهادهای بومی از دگرسو، پراکندگی متفاوتی از نظر جمعیت و فعالیت شکل گرفته که منجر به عدم توازن در برخورداری از دستاوردهای توسعه شده است.

مهم‌ترین نشانگرهای توسعه نامتوازن کشور، شهرنشینی شتابان، تحرکات جمعیتی در پهنه سرزمین و تمرکز جمعیت در مناطق شهری و به‌ویژه کلان‌شهرهاست؛ به طوری که در طول چند دهه، کشور از یک جامعه عمدتاً روستایی و عشایری در سال ۱۳۳۵ (با تقریباً ۶۹ درصد جمعیت روستایی و عشایری)، به جامعه‌ای شهرنشین در سال ۱۳۹۰ (با بیش از ۷۱ درصد جمعیت شهرنشین) تبدیل شده است و تعداد شهرهای آن از ۲۰۱ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۳۳۱ شهر در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. پراکنش جمعیت در پهنه کشور به گونه‌ای است که تقریباً تمامی شهرهای بزرگ و مجموعه‌های متراکم و توانمند روستایی و به تبع آن، بخش عمده مراکز مهم تولید و قابلیت‌های بالفعل کشور، در نیمه غربی کشور قرار گرفته‌اند. در مقابل نیمه شرقی کشور سهم بسیار کمی از فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت را داراست که اختلاف فاحشی با نیمه غربی را نشان می‌دهد. برای نمونه استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، یزد و کرمان با بیش از ۵۰ درصد وسعت سرزمین، کمتر از ۲۱ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. از طرفی توزیع جمعیت شهرنشین کشور به گونه‌ای است که از ۷۱ درصد جمعیت کشور که در شهرها زندگی می‌کنند، بیش از ۵۰ درصد فقط در هشت شهر (تهران، کرج، شیراز، قم، تبریز، مشهد، اهواز و اصفهان) با جمعیت بیش از یک میلیون نفر ساکن می‌باشند؛ که باز از این میزان ۲۰ درصد آن متعلق به شهر تهران می‌باشد (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۹۰). تجمع و تراکم جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در چند قطب عمده در کشور، عدم تعادل گسترده‌ای نه تنها در نظام مراکز جمعیتی بلکه در تمامی زمینه‌های بخشی، اقتصادی، اجتماعی، منطقه‌ای و... پدید آورده است (Iran Statistical Center, 2011). با توجه به پراکنش جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه کشور، نتیجه می‌گیریم که، رشد و توسعه، به لحاظ فضایی و سرزمینی، تمرکزطلب بوده و مورد نابرابری و نداشتن توازن فضایی است، به طوری که اگر در فرآیند توسعه به‌طور آگاهانه عمل نشود، رشد و توسعه موجب حذف پراکندگی‌ها و قطبی‌شدن مراکز زیست و فعالیت در پهنه سرزمین می‌شود (Arabshahi and Jabari, 2015:9). همچنین برای تحقق اصل ۴۸ قانون اساسی (« در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و مناطق مختلف کشور، نباید تبعیضی در کار باشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد ») که مهم‌ترین راهنمای توسعه متوازن منطقه‌ای (در ایران) محسوب می‌گردد (صرافی، ۱۳۹۴)، ضرورت توسعه متوازن و اتخاذ رویکرد آمایشی و منطقه‌ای در برنامه‌ریزی و توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای در حوزه برنامه‌ریزی کلان کشور امری اجتناب ناپذیر است.

محدوده مورد مطالعه، استان لرستان واقع در غرب کشور می‌باشد. بر طبق آخرین تقسیمات کشوری صورت گرفته توسط وزارت کشور در سال ۱۳۹۰، استان لرستان دارای ۱۰ شهرستان بوده و ۱۷۵۴۲۴۳ نفر جمعیت را در خود جای داده است. از این تعداد، ۱۰۷۵۹۵۱ نفر برابر با ۶۱٫۳ درصد در مناطق شهری و ۶۷۷۴۱۶ نفر برابر با ۳۸٫۷ درصد نیز در مناطق روستایی استقرار داشته‌اند. همان‌گونه که آمارهای مزبور نشان می‌دهد، پراکنش فضایی جمعیت در سطح استان به‌طور نامتوازن می‌باشد؛ و به تبع آن توزیع فعالیت‌ها و عملکردهای اقتصادی، فرهنگی، تدارکاتی- خدماتی و... نیز نامتوازن و در تضاد با عدالت فضایی بوده است. این امر زمینه تشدید نابرابری‌های فضایی میان عرصه‌های روستایی و شهر را فراهم نموده و منجر به بروز ناپایداری در الگوی توسعه کنونی گردیده است. با توجه به جهت‌گیری صحیح برنامه ششم توسعه در مسیر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی مناطق و استان‌ها مبتنی بر رویکرد آمیشی؛ در این پژوهش سعی بر آن است تا با تحلیل نیروها و عوامل درونی و بیرونی ساختاری پیش برنده و بازدارنده توسعه متوازن موجود در سطح استان لرستان، به تشریح و تبیین نوع چگونگی توسعه نامتوازن شکل گرفته در محدوده مورد مطالعه بپردازد.

پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی صورت پذیرفته و در تحلیل وضعیت توسعه نامتوازن دهستان‌های استان لرستان و عوامل پیش برنده و بازدارنده این روند از تکنیک‌های آماری و کمی (چون آزمون تی، آنوا، توکی، و تحلیل مسیر) بهره گرفته است. در این پژوهش معیارها و شاخص‌های مورد استفاده شامل ساختارهای درونی (ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، محیطی- اکولوژیک، کالبدی) و ساختارهای بیرونی (ساختار سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی) می‌باشد. روش نمونه‌گیری از طریق روش لایه بندی و نمونه‌گیری تصادفی بوده است. ابتدا به روش لایه بندی تعداد دهستان‌های هر شهرستان به نسبت کل دهستان‌های استان مشخص شده است سپس با روش نمونه‌گیری تصادفی (از تعداد مشخص شده دهستان‌ها از هر شهرستان در روش لایه بندی نسبت به کل دهستان‌های استان) دهستان‌های نمونه از هر شهرستان انتخاب شده‌اند.

مبانی نظری پژوهش

توسعه در مفهوم کلی، به مفهوم کوشش آگاهانه و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی ابعاد متنوع حیات به گونه‌ای که امروز به آن نگریده می‌شود از دستاوردهای قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ میلادی در شوروی سابق آغاز گردید (Razvani, 2011). در این میان، مطالعات توسعه روستایی نیز پس از جنگ جهانی دوم به آرامی با توسعه اجتماعی آغاز شد. تا سال ۱۹۶۰ میلادی بیش از ۶۰ کشور در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، برنامه‌های توسعه جامعه‌ای ملی یا منطقه‌ای را در پیش گرفته بودند، اما تا اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی توسعه جامعه‌ای مورد بی توجهی سازمان‌های کمک به توسعه و حکومت‌های ملی قرار گرفت. تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، توسعه اجتماعی موفقیت چشمگیری به دست نیاورد، چرا که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی توسعه به معنی رشد بیشتر بود و فقرا چشم به بهره‌مندی از رشد سریع همه جانبه بالا به پایین داشتند و در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی فقرا موقتا به منافع رشد سریع دسترسی داشتند، اما تعداد زیادی از آنها سودی نبردند و در نتیجه، فاصله زیادی بین فقرا و ثروتمندان ایجاد شد. بدین ترتیب، تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، به تدریج دیدگاه سنتی توسعه روستایی که متأثر از سیاست‌ها و دیدگاه‌های کلی توسعه، یعنی رشد اقتصادی بود تغییر محور داد و مباحث سیاسی و اجتماعی نیز وارد بحث توسعه روستایی گردید.

در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، نوع جدیدی از فعالیت‌ها در سطح محلی جهت پاسخ به ماهیت مسائلی که برخی از نواحی با آن مواجه شده بودند، حاکم شد. این راهبردها متنوع بودند، مانند توسعه بومی، توسعه پایین به بالا و توسعه همه جانبه روستایی. در مورد مفاهیم و محتوای این راهبردها، تفاسیر متعددی وجود دارد، اما بحث مهم آنها هدفی را که بر نقشی بزرگتر جهت مردم محلی و برای مؤسسات محلی در برنامه‌ریزی، وسایل و فرضیات برنامه‌های توسعه محلی تأکید می‌کند، شرح می‌دهد (Papeli Yazdi and Ebrahimi, 2008:23). این روند ادامه داشت تا این که در اوایل ۱۹۹۰ میلادی، توسعه روستایی که تقریباً مترادف با توسعه کشاورزی بود، با اشاره ضمنی به عمران کلی مناطق روستایی و با تمرکز بر اصلاح کیفیت زندگی روستاییان همراه گردید. در چارچوب این مفهوم توسعه روستایی موضوعی جامع و چندبعدی به شمار می‌رفت که توسعه کشاورزی و فعالیت‌های وابسته بدان در مناطق روستایی را در بر می‌گرفت. در ایران نیز توجه به روستا و توسعه روستایی به عنوان بخشی از فرایند توسعه در مقیاس ملی نیز به منظور تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، از چند دهه قبل از انقلاب، یعنی از دهه ۱۳۲۰ شمسی به بعد به عنوان نوعی ضرورت مطرح شد و بخشی از سیاست‌های توسعه‌ای را تشکیل داد. بعد از انقلاب نیز برنامه‌های مختلفی به منظور توسعه روستایی کشور انجام شد که عمدتاً با تأکید بر رویکرد محرومیت زدایی بود. بدین منظور، دولت سیاست تحول در مدیریت و ساختار سازمان سنتی کشاورزی و ایجاد نهادها و سازمان‌های جدید را در دستور کار قرار داد. تجسم عینی این تغییرات، تأسیس نهادهایی چون بنیاد مسکن و جهاد سازندگی بود که در قالب توسعه روستایی و بر پایه آرمان‌های عدالت‌خواهانه و توزیع متعادل امکانات، لزوم ایجاد دگرگونی و تجدید ساختار روستایی ایجاد شدند (Zahedi, Ghaffari, and Ebrahimi Luyeh, 2012:1).

با همه این موارد، تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم در بخش روستایی نشان می‌دهد که نحوه نگرش به توسعه و روش‌ها و راهبردهای اتخاذ شده نقشی کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه دارد. به طوری که بررسی دیدگاه‌ها، روش‌ها و راهبردهای توسعه روستایی در طی چند دهه نشان می‌دهد که در اغلب دیدگاه‌ها و روش‌ها و به‌ویژه تا دهه ۱۹۸۰ میلادی نگرش جزئی‌انتراعی و موضوعی و فقدان نگرش منظم و یکپارچه به مقوله توسعه، از عوامل اصلی عدم موفقیت راهبردهای توسعه روستایی بوده است. چنان که نتیجه‌ی بسیاری از این راهبردها، افزایش دوگانگی بین شهر و روستا یا کشاورزی و صنعت و قرار گرفتن توسعه روستایی در مقابل توسعه شهری بوده است (Aliaee, 2015:14).

اما دیدگاه حاکم بر رویکرد پیش ساختاری- کارکردی به عنوان رویکرد پایه این پژوهش و رویکردی نوین برای ساماندهی فضایی، نگاه مبتنی بر درک درست از فضا به عنوان پدیده‌ای نظام وار و روی آوری جدی به برنامه‌ریزی فضایی است. برنامه‌ریزی فضایی می‌کوشد تا بر توسعه فضایی به مفهوم عام و به ویژه بر تضادهای آشکار موجود در سیاست‌های عمومی که موجب توسعه ناپایدار می‌شوند، اثرگذار باشد. بدینسان، توسعه فضایی به پراکنش فیزیکی پدیده‌های طبیعی و انسان ساخت و فعالیت‌های انسانی در سرتاسر سرزمین و همچنین بر نحوه توزیع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و بر حسب کیفیت آن‌ها، مثلاً تفاوت‌های موجود در بین واحدهای همسایگی از لحاظ دسترسی به امکانات، تأکید می‌ورزد.

اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی و به تبع آن، آنچه که پویای ساختاری - کارکردی در پی شناخت آن است، عبارتند از:

- اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی نظام‌های فضایی (منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛
- انتظام مکانی - فضایی فعالیت‌های مختلف اجتماعی - اقتصادی در سطوح مختلف سرزمین؛ و
- نظم بخشی به روابط و کارکردهای فضایی از طریق سطح بندی سلسله مراتبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی (Saidi, 2011: 11-10).

معرفی محدوده مورد مطالعه (محیط طبیعی و انسانی)

محیط طبیعی و تقسیمات سیاسی

محدوده مورد مطالعه، استان لرستان واقع در غرب کشور می‌باشد. بر طبق آخرین تقسیمات کشوری صورت گرفته توسط وزارت کشور در سال ۱۳۹۰، استان لرستان دارای ۱۰ شهرستان بوده و ۱۷۵۴۲۴۳ نفر جمعیت را در خود جای داده است. از این تعداد، ۱۰۷۵۹۵۱ نفر برابر با ۶۱٫۳ درصد در مناطق شهری و ۶۷۷۴۱۶ نفر برابر با ۳۸٫۷ درصد نیز در مناطق روستایی استقرار داشته‌اند. لرستان در ابتدای تقسیمات کشوری دوره پهلوی بخشی از فرمانداری کل خوزستان و لرستان بود که خیلی زود از خوزستان جدا و با عنوان فرمانداری کل لرستان مستقل شد. در ابتدای تشکیل، دارای دو شهرستان خرم‌آباد در غرب و بروجرد در شرق بود. در فاصله کوتاهی، الیگودرز از شهرستان گلپایگان جدا و سومین شهرستان استان شد. روند تشکیل شهرستان‌های جدید تا اواخر دهه ۱۳۶۰ متوقف شده بود اما در پایان جنگ ایران و عراق، دورود از بروجرد، و کوه‌دشت و دلفان هم از خرم‌آباد جدا و به شهرستان تبدیل شدند. در سالهای بعد الشتر و پلدختر از شهرستان خرم‌آباد و نیز ازنا از شهرستان الیگودرز جدا و تبدیل به شهرستان‌های مستقل شدند. شهرستان دوره در اواخر سال ۱۳۸۶ از شهرستان خرم‌آباد جدا و مستقل شد. جدیدترین شهرستان این استان شهرستان رومشکان است که در اواخر سال ۱۳۹۲ از شهرستان کوه‌دشت جدا و مستقل شد. مرکز این شهرستان، شهرچقابل است. استان لرستان هم‌اکنون دارای ۲۴ نقطه شهری است. بزرگترین شهرهای لرستان به ترتیب جمعیت عبارتند از: خرم‌آباد، بروجرد، دورود، کوه‌دشت، الیگودرز. بزرگترین شهر این استان از نظر وسعت شهری و جمعیت؛ شهر خرم‌آباد و بزرگترین شهرستان استان، شهرستان الیگودرز می‌باشد.

بستر محیطی - اکولوژیک و ساختارهای شکل دهنده به آن چون ارتفاعات، پهنه‌های دشتی، شیب اراضی، وضعیت دما و بارش، وضعیت منابع آب، و پوشش گیاهی در استان لرستان اثرات مستقیمی در نحوه استقرار سکونتگاه‌های شهری و روستایی و شکل‌گیری زندگی و فعالیت داشته است. وجود ارتفاعات در نیمه شمالی شمال غربی و نیمه جنوب شرقی ناحیه و در عوض نواحی پایکوهی و نسبتاً هموار (نیمه جنوب غربی) در مرکز ناحیه موجب شده که از دیر باز هر چه به سمت ارتفاعات می‌رود از آهنگ رشد جمعیت و فعالیت کاسته شده و در عوض به سمت نواحی هموار و پایکوهی براین روند افزوده شده است. این مهم در دهه‌های گذشته به دلیل رویکرد شهرگرا و صنعت گرا شدت بیشتری گرفته به نحوی که عبور خطوط ارتباطی اصلی از مرکز منطقه (مخصوصاً الیگودرز تا

بروجرد) به دلیل مستعد بودن این قسمت از ناحیه موجب شده که جمعیت و فعالیت و صنعت، در شهرها و روستاهای بزرگ مستقر در کنار این محورهای ارتباطی مهم متمرکز شوند.

البته با توجه به اقلیم سرد و خشک حاکم بر منطقه مورد مطالعه بخصوص پهنه دشتی ه فعالیت کشاورزی فصلی می‌باشد (به نحوی که حدود ۵ ماه از سال اکثر نیروی شاغل در بخش کشاورزی بیکار بسر می‌برد) حتی مشاهده شده که پدیده سرما زدگی در سرمای دیر رس بهاری و سرمای زود رس پاییزی خساراتی بر محصولات باغی و کشاورزی وارد می‌کند. فصلی بودن فعالیت کشاورزی در استان لزوم توجه به توسعه فعالیت‌های دیگر به منظور جبران خلاء فعالیتی ناشی از فصلی بودن کشاورزی را بخصوص در عرصه‌های روستایی دو چندان می‌کند. توجه به توسعه کسب کارهای کوچک خانگی به منظور اشتغال نیروی فعال بانوان و آقایان (در فصل استراحت کشت)، توسعه فعالیت‌های متناسب با گردشگری، توسعه فعالیت دامداری (بصورت تعلیف در طویله) در روستاها، اقدامات کارآفرینانه چون پرورش قارچ، بلدرچین، بوجارو و بسته بندی حبوبات و... از جمله اقداماتی است که از جهت جبران خلاء فعالیت بخش کشاورزی در فصل سرما می‌تواند صورت پذیرد. در کنار بررسی‌های کلی از بستر محیطی - اکولوژیک استان لرستان، بر گرفته از مطالعات میدانی انجام شده در سطح دهستان‌های نمونه مهم ترین پتانسیل در اکثر روستاهای نمونه به دلیل بستر محیطی مناسب (از لحاظ حاصلخیز بودن اراضی، و وفور منابع آبی زیر زمینی و سطحی)، امکان بالای تنوع بخشی (کشت‌های جدید و اقتصادی چون گیاهان داروئی، کلزا، پرورش ماهی و...) و کارآفرینی (تهیه انواع فراوردها از محصول باغی، بوجارو و...) در فعالیت‌های بخش کشاورزی، امکان استفاده از اراضی ملی قابل واگذاری از جهت افزایش توان تولید و بهره‌وری، کارآفرینی در حوزه گردشگری به دلیل بستر محیطی مناسب برای توسعه اکوتوریسم، امکان احداث واحدهای کوچک نیمه صنعتی و کارگاهی از جهت پیوند با بخش کشاورزی، غنی بودن بستر محیطی در بحث گیاهان داروئی خودرو و امکان کشت این گیاهان بصورت اقتصادی، می‌باشد. و مهمترین موانع نداشتن دسترسی بهتر به راههای اصلی در ارتباط با روستاهای پایکوهی و کوهستانی، مدیریت ضعیف پسماند، اجرائی نشدن کامل طرح‌های بهره‌بردارانی بی امان از منابع آبهای زیر زمینی بخصوص در پهنه دشتی، استفاده سنتی از منابع آبهای سطحی و عدم بهره برداری علمی و اصولی از این منابع آب، اراضی ناهموار و آب گیر نبودن اراضی تپه ماهوری شیب دارو پایکوهی روستاها که به دلیل اینکه آب کشاورزی روستاهایی که از رودخانه و چشمه تامین می‌شود قابل کشت نیستند و برای حل این مشکل نیاز به ایجاد بند در رودخانه روستاها و نیاز به پمپاژ و کانال کشی به مزارع می‌باشد، اختلاف بر سر واگذاری فضاهای بلا استفاده در روستاها چون سوله‌های شرکت تعاونی، مدارس بلا استفاده برای فعالیت‌های کارآفرینانه توسط متولیان این فضاها، و در نهایت هدر رفت منابع آب شرب بخصوص در روستاهای پایکوهی به دلیل تحت پوشش نبودن این روستاها، بوده است موارد یاد شده گزیده‌ای از پتانسیل‌ها و موانع ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی استان لرستان می‌باشد.

ویژگی‌های محیط انسانی

تاریخچه ناحیه مورد مطالعه

بنا بر تقسیم بندی جغرافی دانان اسلامی، سرتاسر لرستان امروزه جزیی از پهله اشکانی بوده است. حتی تا سالها پیش این منطقه را «لرستان فیلی» می‌گفته‌اند. گاهی در کتیبه‌ها به دنبال نام حکام کلمه «فیلی» را آورده‌اند. چنین گمان

می‌شود که این واژه صورت دیگری از کلمه «پهلوی به پهل» باشد. علاوه بر این گویش ساکنان این قسمت ایران را «فهلویات» گفته‌اند. بعد از این دوره از قرار گیری منطقه در دیگر تقسیمات آگاهی بیشتر به دست نیامده، اما برخی از آثار اشکانی که از تعصب ویران کننده عهد ساسانی محفوظ مانده است، نشانه اهمیت این منطقه در دوره اشکانی است. از آن جمله دخمه مهرپرستی دره بابا عباس که هنوز هم به نام مقبره بابا عباس مشهور است. یا غار عجیب «گوگان» که یکی از آثار بسیار جالب توجه می‌باشد. بنابر تحقیقات «موسی خورنی» محقق ارمنی در زمان ساسانیان، محدوده لرستان جزء «کوست خودبران» بوده و از شهرهای مهم آن «مهرجا نقدق» و «شاپور خواست» را نام می‌برد که شهر اخیر گویا تختگاه ساسانیان بوده و حتی تا قرن هفتم هجری آبادان و به همین نام مشهور بوده است. همانطور که در ابتدا گفته شد، در زمان ساسانیان، لرستان جزء سرزمین «پهله» یا «پهلوی» یعنی استان بزرگی که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند، بوده است. پهلوی سرزمینی است که اشکانیان پادشاهی خود را از آنجا آغاز کردند و شامل اصفهان، ری، همدان، کرمانشاهان، دینور، ماسبندان، مهرجانقدق، نهاوند، قم، قزوین، کومش و آذربایجان بوده است. با توجه به این تقسیم بندی غرب لرستان شامل دو بخش مهم «ماسبندان» یا ماسپستان و مهر جانقدق «مهرگاه کمره» و شمال آن آلیشتر بود که جزء ماه کوفه محسوب می‌شد. بخش میانی نیز شاپور خواست بود که این شهر به فرمان شاپور اول ساسانی بنا شد. شهرهای مشهور دوره ساسانیان عبارتند از: سیمره مرکز مهر جانقدق که بعدها دره شهر یا داراشهر نامیده شد، شیروان حاکم نشین ایالت ماسبندان، شاپور خواست مرکز بخش میانی، آلیشتر که بنا به نوشته مورخین آتشکده بزرگ «اورخش» در آنجا بنا شده است و مرکز بخش شمالی لرستان بوده است. دره شهر شیروان محل بیلاقی بعضی از امرای عهد ساسانی بوده و هنوز آثار دژ و حصار «تنگه چوبینه» که به نام بهرام چوبینه نامگذاری شده باقی است. (برنامه آمایش استان لرستان، معاون برنامه‌ریزی استان، فصل دوم تحلیل اجتماعی فرهنگی، ۱۳۷۸، ۱۰۷-۱۰۸)

شیوه‌های سکونت

طبیعت استان لرستان از دیر باز به دلیل تنوع آب هوایی و مجاورت مناطق گرمسیر (قشلاق) و سردسیر (بیلاق) با یکدیگر، بستر مناسبی برای شکل‌گیری زندگی کوچ نشینی فراهم آورده است. در واقع مردم این سرزمین برای بهره‌گیری از مواهب طبیعی، با کوچ متناوب خود در طول سال، که بر اساس تغییر فصل استوار است، یکی از کهنترین معیشت‌های اقتصادی بشر، یعنی کوچ نشینی را به وجود آوردند. این مناطق جنوبی و شمالی استان در کوچ هستند و به دو گروه تقسیم می‌شوند:

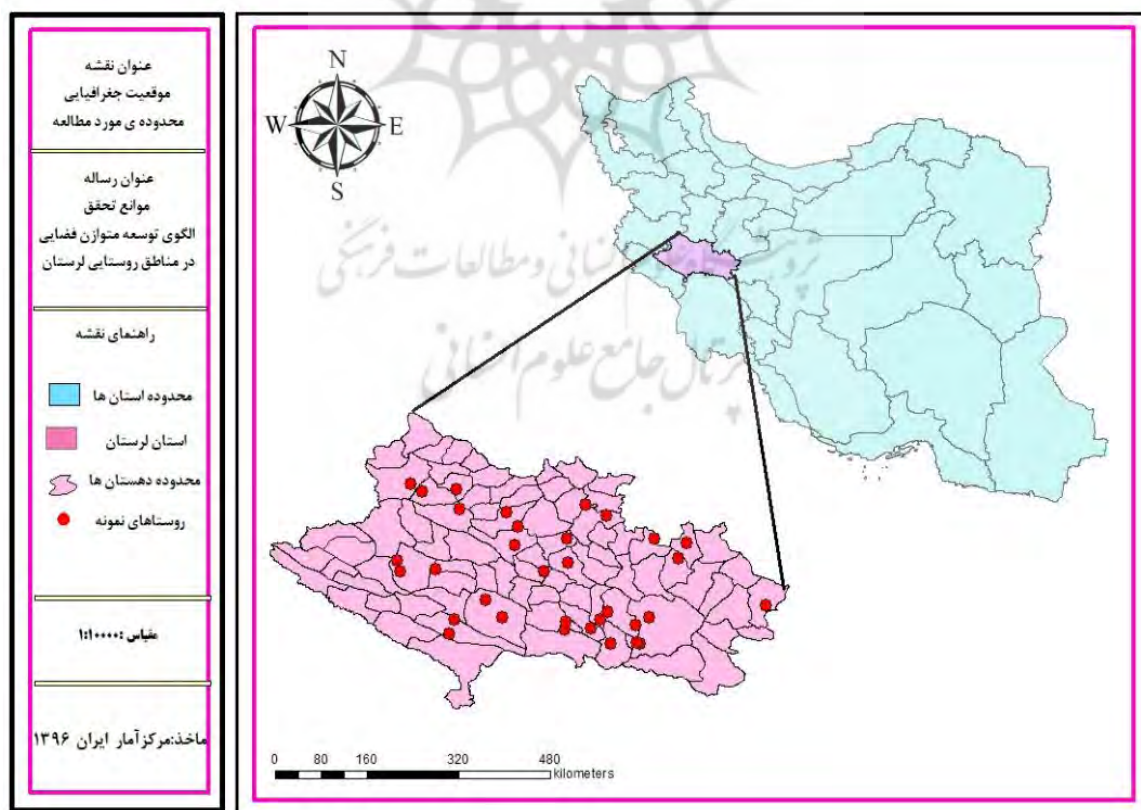
- ۱- عشایر کوچ نشین: همراه دامهایشان کوچ کرده و اقتصادی مبتنی بر دامپروری دارند.
- ۲- عشایر نیمه کوچ نشین: اغلب خودشان ساکن هستند، ولی دامهایشان را کوچ می‌دهند. اینان علاوه بر دامپروری به کشاورزی نیز می‌پردازند.

ب) روستا نشینی: روستا نشینی یکی از شیوه‌های کهن سکونت در استان لرستان است. در آبان ماه ۱۳۹۰ در روستاهای استان لرستان، تعداد ۱۶۹۸۷۵ خانوار با جمعیتی معادل ۶۷۷۴۱۶ نفر زندگی می‌کردند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳) روستاهای استان لرستان که عموماً از نوع متمرکز هستند، تحت تاثیر عواملی همچون: آب، خاک، حاصلخیزی، عوامل قومی و فرهنگی و نیز ضرورت‌های دفاعی و امنیتی، مکان یابی شده و بوجود آمده‌اند.

مصالح عمده بکار رفته در مشاکن قدیمی روستاهای لرستان، تحت تاثیر عوامل محیطی، بیشتر از سنگ و چوب بوده که این روند در سالهای اخیر، با پیشرفت تکنولوژی ساختمان به هم ریخته و همچون سایر مناطق کشور مصالح نوین چون آجر، آهن و... بکار برده می‌شود.

پ) شهر نشینی: بیشتر شهرهای لرستان در نتیجه توسعه و تحول روستاها بوجود آمده‌اند و عواملی چون: دسترسی به منابع آب، ضرورت‌های دفاعی و امنیتی، ارتباطات و جنبه‌های سیاسی در شکل‌گیر آنها موثر بوده‌اند. ساخت شهرهای استان متأثر از شرایط جغرافیایی، بخصوص ناهمواریهاست. به عنوان نمونه شهر خرم‌آباد به دلیل قرار گرفتن در دره رود، ساختاری طولی با جهت شمالی- جنوبی دارد. این شهرها معمولا از دو بافت قدیم و جدید تشکیل یافته‌اند. معماری بافت قدیم مطابق و متأثر از شرایط طبیعی بوده، در حالیکه بافت جدید به دلیل نیازهای جدید شهری، تا حدودی بر اصول شهرسازی نوین منطبق است.

طی چند دهه گذشته به علت مهاجرت روستاییان به شهر و یا تبدیل نقاط روستایی به شهر در اثر افزایش جمعیت، میزان جمعیت شهری استان به سرعت افزایش یافته است. بطوریکه در آبان ماه ۱۳۹۰ از مجموع ۱۷۵۴۲۴۳ نفر از جمعیت استان، تعداد ۱۰۷۵۹۵۱ نفر متشکل از ۲۹۲۴۵۴ خانوار در نقاط شهری ساکن بوده‌اند. (سالنامه آماری ۱۳۹۳) به عبارت دیگر بیش از ۶۱ درصد جمعیت استان، شهرنشین می‌باشند. با توجه به اینکه بیشتر شهرهای لرستان زیرساختهای لازم برای افزایش سریع جمعیت را ندارند، این امر باعث بوجود آمدن مشکلات عدیده مثل: گرانی زمین و مسکن، کمبود امکانات رفاهی و خدماتی، بیکاری، افزایش مشاغل کاذب، کمبود زیر ساختها و... در این شهرها شده است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه در سطح کشور

Source: Authors, 2020, based on data of Statistical Center of Iran, 2017»

یافته‌های پژوهش

۱-۱. نیروها پیش برنده و بازدارنده و عوامل اثرگذار درونی و بیرونی بر توسعه نامتوازن دهستان‌های استان لرستان

با توجه به اینکه به منظور تحلیل توسعه نامتوازن در سطح دهستان‌های استان لرستان از روش‌های آماری بهره گرفته شده است ابتداء جهت تعیین نوع آزمون آماری (پارامتریک یا غیر پارامتریک) از نرمال بودن و غیر نرمال بودن داده‌ها مطمئن شد برای این منظور از آزمون کلموگروف-اسمیرونف استفاده شد که نتایج در جدول (۱) نشان داد داده‌ها به دست آمده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی توزیع نرمال داشته از این رو از آزمون‌های پارامتریک جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

جدول (۱) وضعیت توزیع داده‌های مربوط ساختارهای درونی و بیرونی بر اساس آزمون کلموگروف-اسمیرونف

معناداری	k-SZ	ضریب تغییرات	میانگین	تعداد	شاخص
۰/۰۸۱	۳/۴۴	۰/۵۴	۲/۶۱	۴۰	ساختارهای اجتماعی
۰/۱۶	۴/۳۱	۰/۵۷	۲/۶۵	۴۰	ساختارهای اقتصادی
۰/۰۵۲	۳/۹۰	۰/۶۸	۲/۷۹	۴۰	ساختارهای محیطی-اکولوژیک
۰/۰۶	۴/۱۸	۰/۵۵	۲/۶۲	۴۰	ساختارهای کالبدی
۰/۰۷۲	۴/۳۹	۰/۴۹	۲/۶۶	۴۰	ساختارهای سیاست گذاری
۰/۰۶۴	۲/۳۸	۰/۶۴	۲/۸۱	۴۰	ساختارهای برنامه‌ریزی

Source: Research findings 2018-2019

برای بررسی‌های ساختارهای اثرگذار (ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی- محیطی، سیاست گذاری و...) و تبیین بهتر و تحلیل صحیح تر از وضعیت شاخص‌های ساختارهای درونی و بیرونی به عنوان متغیر مستقل و اثرگذار بر فعالیت عدم توازن توسعه در دهستان‌های لرستان از آزمون T-TEST استفاده شده است. با استفاده از این آزمون هم معناداری شاخص‌ها و هم تفاوت میانگین‌ها مشخص می‌شود. براساس داده‌های جدول (۲) تمامی شاخص‌هایی که برای سنجش ساختارهای درونی و بیرونی به کار برده شده معنادار بوده اما به لحاظ میانگین‌ها تفاوتی بین شاخص‌ها مشاهده می‌شود به عبارتی دیگر بین دهستان‌های مورد مطالعه به لحاظ وضعیت ساختارهای درون و بیرونی اثرگذاری بر سطح توسعه یافتگی تفاوت مشاهده می‌شود و دهستان‌های نمونه عمدتاً از توسعه یافتگی در حالت مطلوبی به سر نمی‌برند. براساس دامنه طیفی هریک از شاخص‌ها که بین ۱ تا ۵ براساس طیف لیکرت در نوسان بوده، شاخص ساختارهای سیاست‌گذاری با ۲/۹۶ بیشترین میانگین رتبه‌ای را دارد و شاخص‌های ساختارهای اقتصادی، برنامه‌ریزی، اجتماعی، کالبدی و محیطی- اکولوژیک، به ترتیب با میانگین‌های ۲/۸۵، ۲/۸۱، ۲/۷۶، ۲/۶۲، و ۲/۵۷ در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از نظر تفاوت میانگین‌ها تمامی شاخص‌های ساختارهای درونی و بیرونی پایین تر از حد متوسط میانگین‌ها می‌باشند و این نشان دهنده این نکته است که وضعیت این شاخص‌ها در دهستان‌های مورد بررسی مناسب نیست.

در همین ارتباط باید گفت که به لحاظ ساختار سیاست‌گذاری که عمدتاً متمرکز و شهرگرا و صنعت گرا می‌باشد و در کنار آن ساختار بخشی و تک سو نگر برنامه‌ریزی، به لحاظ ساختارهای اجتماعی پایین بودن سطح مشارکت در امور عمرانی و سایر امور روستا به دلیل نبود ساختارهای مشارک زاء، پایین بودن سطح آموزش و آگاهی بخشی به علت کمبود ساختارها در این بخش، اثرات ناپایداری کالبدی بر مهاجرات و... در ارتباط با ساختارهای اقتصادی کهنه

بودن این ساختارها، تک بعدی بودن ساختارفعالیت اقتصادی (عمدتا دربخش کشاورزی بصورت سنتی و نبود تنوع شغلی)، نبود دسترسی به صنایع تبدیلی، بازار فروش، و... درارتباط با ساختارهای کالبدی نبود دسترسی به خدمات وامکانات، نداشتن راه ارتباطی مناسب، پایین بودن کیفیت مساکن، پراکنش نامتوازن مراکزخدماتی ومراکز فعالیت و... درارتباط با ساختار محیطی- اکولوژیک، سرمای زودرس وپدیده سرما زدگی، فصلی بودن کشاورزی وفعالیت- های وابسته، کوهستانی بودن بخش‌های زیادی از منطقه وکاهش دسترسی به این دلیل، خشکسالی، سیل و... همگی موجب شده است که عرصه کالبدی- فضایی به عنوان بستر فعالیت وروابط فضایی پایدار شکل نگرفته باشد و درنهایت اثرخود را بر توسعه نیافتگی دهستان‌های استان لرستان به صورت الگوی فضای توسعه قطبی (کریدودوری به تبعیت از سیاست گذاری‌ها متمرکز و بالا به پایین) نشان داده است. همانطور که درتحلیل وضعیت توسعه یافتگی درسطح دهستان‌ها با استفاده از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره تاپسیس گفته شد، درارتباط با ساختارهای مختلف عنوان تنها تعدادی از دهستان‌های همجوار با کریدورهای توسعه یافته استان وضعیت نسبتا مطلوبی دارند وهرچقدراز این کریدور یا محورها (خرم اباد- الیگودرز، خرم اباد بروجرد) به سمت اطراف می‌رود روستاها واقع در دهستان‌های مجاور به لحاظ ساختارهای موثر بر عرصه کالبدی- فضایی (عرصه فعالیت و روابط فضایی) وضعیت نامناسبی پیدا می‌کنند.

جدول شماره ۲ آزمون معنا داری شاخص‌های ساختارهای درونی و بیرونی (متغیرمستقل) (T-TEST)

معیار	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪
						پایین	بالا
ساختارهای اجتماعی	۲/۷۶	۰/۵۴	-۱۴/۱۹	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۵۲	-۰/۴۶
ساختارهای اقتصادی	۲/۸۵	۰/۵۵	-۸/۲۲	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۵۷	-۰/۲۲
ساختارهای محیطی-اکولوژیک	۲/۵۷	۰/۷۶	-۷/۱۳	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	-۰/۲۸
ساختارهای کالبدی	۲/۶۲	۰/۶۸	-۱۲/۲۳	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۳۶	-۰/۳۰
ساختارهای ساستگذاری	۲/۹۶	۰/۶۲	-۹/۱۶	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۳	-۱/۵
ساختارهای برنامه‌ریزی	۲/۸۱	۰/۷۷	-۶/۴۴	۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۲۱	-۰/۱۷

Source: Research findings 2018-2019

با توجه به نکات گفته شده می‌توان به این نکته اشاره کرد که زمانی که عرصه کالبدی-فضایی دچار نارسائی ساختاری (درونی و بیرونی) باشد قطعا فعالیت وروابطی که بر این بستر تجلی می‌یابد ناپایدار خواهد بود و اثر خود را به صورت ناپایداری و توسعه نیافتگی سکونتگاه‌های زیاد شهر و روستایی در مقابل توسعه یافتگی نسبی سکونتگاه‌های اندک شهری و روستایی نمایان خواهد ساخت. از آنجا که ساختارهای مختلف اثر گذار (اعم بیرونی چون ساستگذاری و درونی چون محیطی- اکولوژیک، اجتماعی- اقتصادی،...) بر توسعه د یا عدم توسعه نیافتگی به- صورت سیستمی ونظاموار عمل می‌کنند نارسائی دریک ساختار اثرات خود را هم بر فعالیت وروابط (کارکردهای) آن ساختار و هم برساختارهای دیگر اعمال می‌کند بنابراین برای شکل‌گیری یک بسترکالبدی- فضایی پایدار و دستیابی به توسعه متوازن فضایی نیاز به دید نظاموار و درک درست از روابط درهم تنیده‌ی این ساختارها هست تا بتواند مبتنی بر اصول برنامه‌ریزی فضای که بر اصلاح ساختارهای فضایی تاکید دارد، به توسعه متوازن مکانی- فضایی دست یافت.

در کنار بررسی صورت گرفته با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای که تفاوت بین ساختارهای درونی و بیرونی در سطح سکونتگاه‌های روستایی استان لرستان از طریق تفاوت بین میانگین‌های به دست آمده مشخص شد برای بررسی وضعیت استحکام ساختارهای درونی در سطح سکونتگاه‌های روستایی دهستان‌های لرستان از آزمون TUKEY نیز استفاده شده است. در واقع هدف این است که مشخص شود تحت تاثیر ساختارهای بیرونی و اثرگذار بر ساختارهای درونی سکونتگاه‌های روستایی استان لرستان، وضعیت این ساختارهای درونی در سکونتگاه‌های روستایی مشخص شود و از این طریق یک سطح بندی از روستاهای نمونه به لحاظ استحکام ساختارهای درونی صورت پذیرد؛ در واقع هر چه استحکام ساختاری در سطح سکونتگاه‌های روستایی بیشتر باشد خود می‌تواند استحکام کارکردهای فضایی را به دنبال داشته باشد و نتیجه این استحکام ساختاری - کارکردی حرکت به سمت توسعه یافتگی را به ارمغان خواهد آورد. این آزمون هر یک از روستاها را به لحاظ شاخص‌های ساختارهای درونی اعم از اجتماعی، اقتصادی و کالبدی - محیطی با بقیه روستاها مقایسه کرده و تفاوت روستاها را به لحاظ سطح این شاخص‌ها مشخص می‌کند. نتایج حاصل از این آزمون درخصوص وضعیت استحکام ساختارهای درونی در ۱۷ روستای نمونه که از پرسشنامه ۱۷ روستا در آنها پر شده است به صورت جدول خروجی تحلیل واریانس در قالب جدول ANOVA نشان داده شده است (جدول ۳). همانطور که جدول نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین روستاهای مورد مطالعه به لحاظ وضعیت نارسائی ساختاری - کالبدی وجود دارد.

جدول: (۳) تحلیل واریانس مقایسه میانگین وضعیت استحکام ساختارهای درونی در روستاهای مورد مطالعه (جدول ANOVA)

منبع واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگی مربعات	آماره F	سطح معناداری
میان گروهی	۳۲۱۱۲	۱۶	۱۵۲۰/۱۰۸	۱/۰۰۷	۰/۰۱۵
درون گروهی	۲۱۶۲۴/۰۹	۱۵	۷۱۹/۱۳	-	-
جمع کل	۵۳۷۳۷/۰۹	۱۶	-	-	-

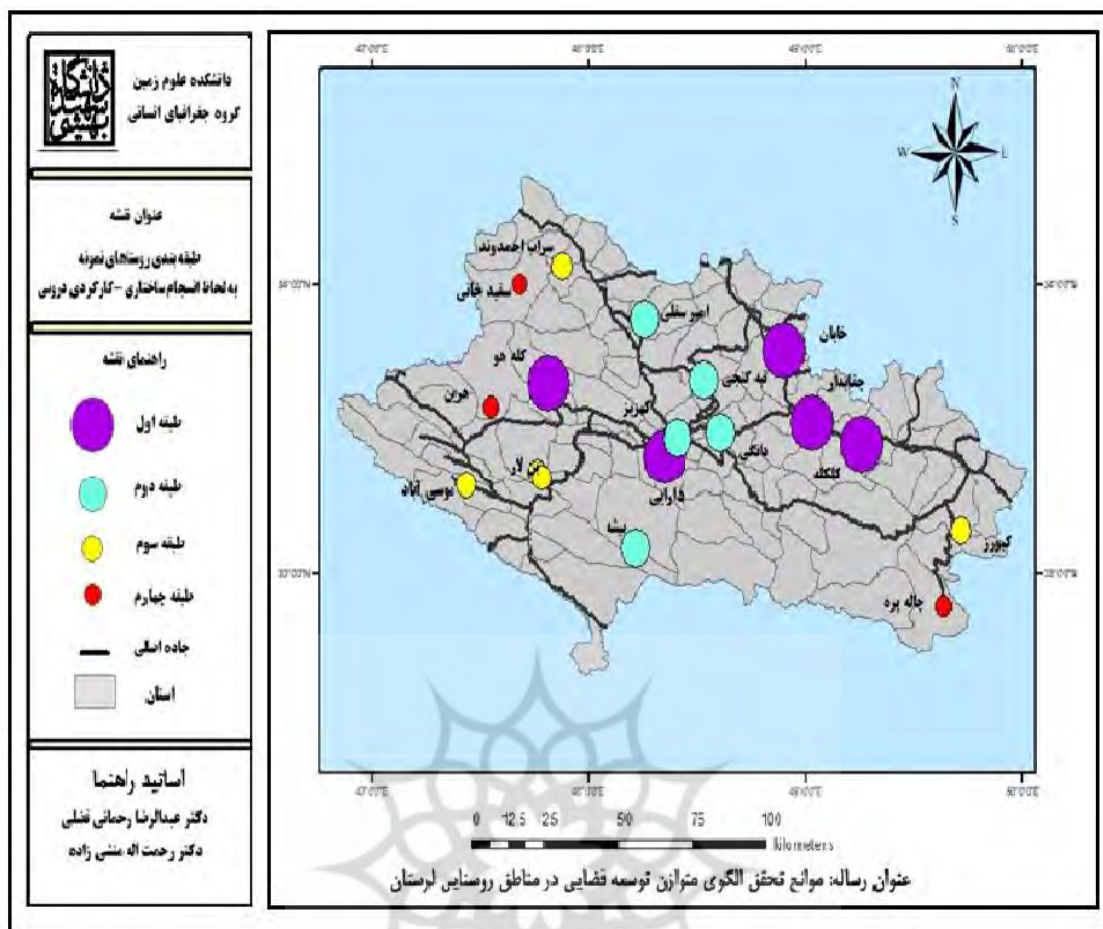
Source: Research findings 2018-2019

همچنین مقدار آماره F که برابر است با ۳/۱۶۶ با سطح معناداری ۰/۰۱۵ بوده (آلفا کوچک‌تر از ۰/۰۵) این مساله را تأیید می‌کند. آزمون TUKEY روستاهای مورد مطالعه را به لحاظ عدم انسجام ساختارهای درونی به چهار گروه یا طبقه تقسیم کرده است به طوری که روستاهایی که در طبقه اول قرار می‌گیرند دارای پایین‌ترین سطح نارسائی ساختاری (اعم از اجتماعی، اقتصادی و کالبدی) و روستاهایی که در طبقه چهارم قرار گرفتند از وضعیت نامناسبی به لحاظ ساختاری و به تبع آن کارکردی را نسبت به طبقه اول و دوم برخوردارند (جدول ۴).

جدول: (۴) طبقه بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ وضعیت انسجام ساختاری - کارکردی بر اساس آزمون TUKEY

طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم
روستای چقبادار (دهستان درود)	امیر سفلی (قلعه مظفری)	کیورز سفلی (بربرود غربی)	هرین خلیفه (کوه‌دشت شمالی)
روستای خایان (دهستان شیروان)	تپه گچی (بیرانوند شمالی)	موسی آباد علیا (رومشکان غربی)	چاله پره (دلقی شرقی) ۱۵
دارایی (گرگاه شرقی)	دانگی اکبرآباد (زاغه)	بن لار (افرنه)	سفید خانی (ایتوند جنوبی)
کله هو (کشکان)	بیشه (سپید دشت)	سراب احمد وند (نور آباد)	
کلکله (سیلاخور شرقی)	کهریز جدید (ده پیر)		

Source: Research findings 2018-2019



شکل ۲: طبقه بندی وضعیت انجم ساختمانی - کارکردی روستاهای نمونه بر اساس آزمون **TUKEY** 2018-2019 Source: Research findings

با توجه به نتایج جدول (۴) و نقشه (۲) که برگرفته از نتایج تحلیل پرسشنامه‌های روستا از طریق آزمون توکی می‌باشد باید اشاره نمود که روستاهای که در طبقه اول و دوم قرار دارند از نارسائی ساختاری درونی کمتری نسبت به روستاهای طبقه سوم و چهارم برخوردارند؛ به نحوی که روستاهای طبقه اول و دوم تماماً در دهستان‌های قرار دارند که در رتبه بندی سطح توسعه یافتگی بوسیله تکنیک تاپسیس این دهستان‌ها رتبه یک تا ۱۰ را کسب نموده بودند، برای نمونه روستای چقبادار در شهرستان درود واقع در دهستان درود قرار دارد که یک روستای پر جمعیت (بالای ۸۰۰ خانوار) می‌باشد و به واسطه نزدیکی به شهر درود و مرکز دهستان و نزدیکی به جاده اصلی به لحاظ ساختارهای درونی یک انجم نسبی را تجربه نموده است و این مهم موجبات حفظ و ماندگاری جمعیت و حتی جذب جمعیت از روستاهای اطراف را فراهم نموده است در واقع می‌توان گفت این روستا یک عرصه فضایی در حال گذار از روستا به شهر می‌باشد به نحوی که عملکردهای خدماتی در آن در حال پیشی گرفتن بر سرشت تولیدی روستا می‌باشد. همچنین روستای خایان از توابع شهرستان بروجرد واقع در دهستان شیروان نیز شرایط مشابهی را تجربه می‌نماید (لازم به ذکر است که دهستان شیروان در رتبه بندی انجام شده توسط تکنیک تاپسیس رتبه اول توسعه یافتگی را به دست آورده است که دلایل آن در پیش توضیح داده شد). روستای دارایی از دهستان گرگه شرقی واقع در شهرستان خرم آباد نیز یک روستای در حال گذار می‌باشد و البته این روستا به دلیل شرایط مناسب کشاورزی در آن سرشت تولیدی خود را همچنان حفظ نموده است.

بطور کلی باید اشاره نمود که با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون توکی در ارتباط با سنجش وضعیت انسجام ساختارهای درونی روستاهای نمونه و تطبیق این نتایج با نتایج به دست آمده از سطح بندی کلی دهستان‌های نمونه به لحاظ سطح توسعه یافتگی مشاهده شد که نگاه متمرکز و بخشی به توسعه سکونتگاهی موجبات توسعه‌گزینی از فضاهای جغرافیای و قطبی‌سازی توسعه سکونتگاهی را تشدید نموده است و این مهم در تمامی سطوح سکونتگاهی از سطح منطقه‌ای، ناحیه‌ای، سطح محلی و حتی یک مجموعه روستایی خود را نشان داده است. بنحوی که مشاهده می‌شود در سطح هر ناحیه (در اینجا شهرستان) چند شهر و چند روستای بزرگ و پر رونق در جوار یا امتداد هم ادامه حیات داده‌اند در سطح محلی (دو یا چند دهستان) هم باز یک شهر و چند روستای بزرگ و پر رونق یا شکل گرفته‌اند و در سطح یک دهستان (مجموعه روستایی) باز یک یا چند روستای بزرگ و پر رونق شده (بواسطه دسترسی بهتر به راه خدمات اجتماعی - فرهنگی و...) و مابقی جمعیت خود را به نفع این نگرش قطبی و توسعه‌گزینی فضای جغرافیای، از دست داده‌اند. این درحالی است که تمامی سکونتگاه‌های روستایی از کوچک تا بزرگ هر کدام با توجه پتانسیل خود (حداقل ترین تا حداکثرترین پتانسیل) می‌تواند درگیر فعالیت اقتصادی و یک نوع تقسیم کار فضایی با ارتباط و جریان‌های دو سویه و افقی با هم دیگر بشوند تاهاارمونی زیبای برای آهنگ توسعه متوازن بوجود بیاورند.

آزمون تحلیل مسیر

در حوزه مطالعات اجتماعی و اقتصادی روش‌های تحلیل چند متغیره زیادی وجود دارند که به بررسی اثرات و روابط بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازند. این روش‌ها عمدتاً اثرات مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ اما در این میان تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چند متغیره می‌باشد که علاوه بر بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر، اثرات غیرمستقیم متغیرها را مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود در تحلیل وارد می‌کند.

به‌منظور تحلیل اثر شاخص‌های ساختارهای درونی و بیرونی بر عدم توازن توسعه در دهستان‌های استان لرستان با استفاده از مدل تحلیل مسیر این عوامل مشخص و میزان تأثیرگذاری هریک از آنها تعیین شده است. ابتدا جهت اعتبار سنجی مدل تحلیلی تحقیق ضریب خطای مدل بررسی شده است. در روش تحلیل مسیر متغیرهای این تحلیل می‌توانند فقط بخشی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند به همین دلیل در تحلیل مسیر آنچه به‌عنوان اثرات یا عوامل ناشناخته باقی می‌ماند بوسیله «e» که به «کمیت خطا» معروف است نشان داده می‌شود. میزان «e» بیانگر میزان واریانس متغیری است که متغیرهای مستقل موجود قادر به تبیین آن نیستند؛ و از طریق فرمول $R^2 = 1 - e^2$ به دست می‌آید. در این تحقیق ابتدا برای تبیین میزان واریانس متغیر وابسته باید از ضریب تعیین (R^2) کمک گرفت. ضریب تعیین به‌دست آمده در جدول زیر برای کلیه متغیرهای پژوهش می‌باشد.

جدول شماره: (۵) میزان ضریب خطای متغیرهای مستقل در آزمون تحلیل مسیر

R	R^2	ضریب تعیین استاندارد شده	میزان خطا
۸۷۱.۰	۷۵۲.۰	۴۶۴.	۰.۶۶۰

Source: Research findings 2018-2019

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵۲ می‌باشد، یعنی ۷۵/۲ درصد از مجموعه تغییرات وابسته، توسط تحلیل مسیر و متغیرهای مستقل تعیین می‌شوند. همچنین ضریب خطا را می‌توان از طریق ضریب به دست آورد که با توجه به فرمول $R^2 = 1 - e^2$ ضریب خطا برابر با ۰/۲۴۶ می‌باشد به عبارتی این مدل ۲۴/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمی‌کند. پس از تعیین اعتبار مدل شاخص‌های ساختارهای درونی و بیرونی به‌عنوان متغیر مستقل و عدم توازن توسعه در سطح دهستان‌های لرستان به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در مرحله بعد برای تعیین اثر مستقیم هر یک از شاخص‌های متغیر مستقل از روش رگرسیون به شیوه «Enter» استفاده می‌شود. در مدل تحلیل مسیر ضرایب بتا هر یک از این متغیرها مشخص و اثر مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل در ناپایداری فعالیت‌ها و روابط فضایی نشان داده شده است. در نهایت با توجه به مسیر هر یک از متغیرها ضرایب بتای آن‌ها در هم ضرب و مقدار اثرگذاری هر یک از مسیرها مشخص شده است (جدول شماره ۶).

جدول شماره (۶) ضریب بتای متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در آزمون تحلیل مسیر

شاخص‌ها	مقدار بتا	شاخص‌ها	مقدار بتا
ساختارهای اجتماعی	۲۱۰۰	ساختارهای کالبدی	۱۸۱۰
ساختارهای محیطی-اکولوژیکی	۱۷۶۰	ساختارهای سیاستگذاری	۲۱۲۰
ساختارهای اقتصادی	۲۱۵۰	ساختارهای برنامه‌ریزی	۲۱۰۰

Source: Research findings 2018-2019

در ادامه تحقیق پس از به دست آمدن اثرات غیر مستقیم ضرایب بتا می‌توان تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر را محاسبه کرد؛ بنابراین برای مقایسه اثرات متغیرهای مستقل می‌توان بر اساس ضرایب بتا عمل کرد و مؤثرترین متغیر را تعیین نمود. در حقیقت هر متغیر دارای دودسته اثر است اثرات مستقیم و غیرمستقیم که از مجموع آن‌ها اثر کلی متغیر به دست می‌آید. برای محاسبه اثرات غیرمستقیم ضرایب بتای هر مسیر را تا رسیدن به متغیر وابسته در هم ضرب می‌کنیم. برای به دست آوردن اثرات کل غیرمستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر، اثرات مسیرهای غیرمستقیم آن دو متغیر را نیز باهم جمع می‌کنیم. برای به دست آوردن اثرات کلی، باید اثرات مستقیم و غیرمستقیم را آن دو متغیر را نیز باهم جمع کنیم. در نتیجه محاسبات انجام شده در خصوص اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته در جدول شماره (۷) نشان داده شده است.

جدول شماره: (۷) مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته (عدم توازن توسعه در لرستان)

ساختار	متغیر مستقل	اثرات	اثرات	مجموع	تأثیرات	مستقیم	و	درصد مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر
		مستقیم	غیرمستقیم	غیرمستقیم	مستقیم	غیرمستقیم	متغیر	
درونی	ساختارهای اجتماعی	۰,۱۹	۰,۱۴۴	۰,۳۳	۱۴,۱۰			۴
درونی	ساختارهای اقتصادی	۰,۲۸	۰,۲۱۰	۰,۴۹	۲۰,۹۴			۲
درونی	ساختارهای کالبدی	۰,۱۷	۰,۱۴۰	۰,۳۱	۱۳,۲۴			۵
درونی	ساختارهای محیطی-اکولوژیکی	۰,۰۹	۰,۱۶۰	۰,۲۵	۱۰,۶۸			۶
بیرونی	ساختارهای سیاست گذاری	۰,۴۰	۰,۲۱۷	۰,۶۱	۲۶,۰۶			۱
بیرونی	ساختارهای برنامه‌ریزی	۰,۱۶	۰,۱۹۵	۰,۳۵	۱۴,۹۵			۳

Source: Research findings 2018-2019

با توجه به آنچه که از جدول (۷) به دست آمد می‌توان گفت همه شاخص‌های ساختارهای درونی (اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی-اکولوژیکی) و بیرونی (سیاستگذاری، برنامه‌ریزی) در عدم توازن توسعه در دهستان‌های

استان لرستان اثرگذار بوده‌اند. البته اثرات ساختارهای مختلف بر کارکردهای مترتب بر آنها خود را به صورت توسعه نیافتگی و یا به عبارت دیگر عدم توازن توسعه در سطح دهستان‌های لرستان نشان داده است به عبارت دیگر عدم توازن توسعه در سطح دهستان‌های استان لرستان هم محصول نارسائی ساختارهای درونی و کارکردهای مترتب بر آن و هم محصول ساختارهای بیرونی و کارکردهای مترتب بر آنها است که جملگی فضای جغرافیای لرستان را شکل داده‌اند. با توجه به نتایج آزمون تحلیل مسیر که به منظور سنجش اثرات و به عبارت دیگر بیشترین رتبه تاثیر گذاری ساختارهای درونی و بیرونی بر توسعه نیافتگی یا عدم توسعه متوازن است، شاخص ساختارهای سیاستگذاری با ۰,۶۱، ساختارهای اقتصادی با ضریب ۰/۴۹ و شاخص ساختارهای برنامه‌ریزی با ضریب ۰/۳۵ و شاخص ساختارهای اجتماعی با ۰/۳۳ به ترتیب بیشترین اثر گذاری (مجموع مستقیم و غیر مستقیم) در توسعه نیافتگی دهستان‌های استان لرستان را دارند. شاخص ساختارهای کالبدی، ساختارهای محیطی- اکولوژیک در رتبه- های بعدی قرار گرفته‌اند.

می‌توان گفت هرچه میزان و سهم شاخص‌های مربوط به نارسائی ساختارهای درونی و بیرونی (متغیر مستقل) در سطح دهستان‌های لرستان (ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و...) بهبود یابد فعالیت و روابط فضایی (کارکردهای فضایی) نیز پایدار شکل خواهد گرفت که این مهم توسعه یافتگی سکونتگاه‌های روستایی را نیز به دنبال خواهد داشت. واضح است که رسیدن به توسعه پایدار و به تبع آن توسعه پایدار سکونتگاهی در لرستان و در سکونتگاه‌های روستایی آن نیازمند اصلاح ساختاری- کارکردی می‌باشد در این میان سهم برخی ساختارها (با توجه به خروجی آزمون تحلیل مسیر) و به تبع آن کارکردها در بازدارندگی و هم در پیش بردندگی دستیابی به توسعه متوازن لرستان پر رنگ تر بوده است.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

بر پایه یافته‌های پژوهش؛ باید اشاره کرد با وجود اینکه در طی چندین دهه اخیر ساختارهای اثرگذار درونی و بیرونی موجب شکل‌گیری عدم توازن توسعه و قطبی و گزینشی شدن توسعه در استان لرستان شده است. با این حال به دلیل وجود پتانسیل‌های کالبدی- محیطی (وجود جریان‌های سطحی متعدد رودخانه‌ای، دشت‌های حاصلخیز متعدد، عبور محورهای مهم ارتباطی در سطح ملی و منطقه‌ای، توان‌های بالای شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی بخصوص مرتبط با کشاورزی، گردشگری و همچنین امکان ایجاد پیوندهای ارتباطی به دلیل ویژگی بستر محیطی نواحی روستای استان و...) اجتماعی (جمعیت جوان و فعال و تحصیل کرده، علاقه به مشارکت در امور روستا در بین روستاییان بخصوص جوانان در صورت وجود نهادسازی و ظرفیت‌سازی و...) اقتصادی (زمینه‌های بالای پیوند صنعت و کشاورزی و شکل‌گیری کارآفرینی روستایی، توان بالای گردشگری استان بخصوص در پیوند با روستاهای هدف گردشگری، توان بالای کشاورزی منطقه، چشم انداز ناحیه در اسناد بالادستی به‌عنوان قطب کشاورزی و...) و در صورت اصلاح اندیشیده شده ساختاری- کارکردی و درک پیوستگی نظام‌وار ساختاری- کارکردی در برنامه‌ریزی برای عرصه فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی، امکان دستیابی به توسعه متوازن و اندیشیده شده وجود دارد. در همین ارتباط دستاوردهای پژوهشی در خصوص برنامه‌ریزی و دستیابی به توسعه پایدار متوازن منطقه‌ای در استان لرستان به شرح ذیل است:

۱- ساختارهای سیاستگذاری و تاثیر عوامل پیش برنده و بازدارنده دستیابی به توسعه متوازن در استان لرستان

همانطور که در نتایج مربوط به آزمون تحلیل مسیر و طبقه بندی روستاها به لحاظ انسجام ساختاری (ساختارهای درونی و بیرونی) مشخص شد ساختارهای ساست گذاری بیشترین اثر مستقیم را بر عدم توازن توسعه در لرستان از طریق اثر گذاری بر ساختارهای اجتماعی- اقتصادی، کالبدی، و برنامه ریزی داشته است. بنحوی که ساختارهای سیاستگذاری بر شاخصه‌های ساختارهای اقتصادی از طریق قطبی شدن سرمایه‌ها و خروج سرمایه از چرخه تولید روستا و وارد شدن آن به چرخه‌های صنعتی و خدماتی بی ارتباط به روستا، بر شاخصه‌های ساختارهای اجتماعی- فرهنگی من جمله سطح سواد و آموزش، سطح آگاهی بخشی در امور مختلف، دستیابی به امکانات و خدمات اجتماعی- فرهنگی، مهاجرت و... و همچنین بر شاخصه‌های ساختارهای محیطی چون شیوه استفاده از منابع آب و خاک، بر مطلوبیت شاخصه‌های ساختارهای کالبدی چون: کیفیت مسکن، نوع مصالح، کیفیت دفع پسماند و زباله و... اثر داشته است. بنحوی که این اثرات در خصوص برخی سکونتگاه‌های روستایی (روستاهای نزدیک به شهر و کریدورهای توسعه یافته) مثبت و نسبتاً پیش برنده توسعه بود و در بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی موجب باز دارندگی دستیابی به توسعه بوده است. در واقع این اثرات به نوعی در ارتباط با دستیابی به توسعه متوازن بازدارنده عمل کرده‌اند و در صورت اصلاح ساختاری- کارکردی می‌توانند به عنوان عوامل پیش برنده عمل نمایند. اثرات غیر مستقیم ساختارهای سیاستگذاری بر ساختارهای درونی فوق‌الذکر عمدتاً یک روند نسبتاً طولانی نگرش از بالا به پایین و نهادینه شده را یادآور می‌شود که در کنار اثرات مستقیم بصورت نامحسوس (نهادینه شدن یک طرز تفکر و نگرش تمرکز گرا و قطب پسند) در سیستم برنامه‌ریزی برای ساختارهای اقتصادی- اجتماعی و کالبدی- فضایی موجبات عدم توازن توسعه را فراهم نموده است.

۲- ساختارهای اقتصادی و نقش عوامل پیش برنده و بازدارنده دستیابی به پایداری کالبدی- فضایی در استان

لرستان

با توجه به آنچه در نتایج مربوط به آزمون تحلیل مسیر و طبقه بندی روستاها به لحاظ انسجام ساختاری (ساختارهای درونی و بیرونی) مشخص شد ساختارهای اقتصادی بعد از ساختارهای سیاست گذاری به عنوان یک عامل درونی بیشترین اثر مستقیم را بر ناپایداری کارکردهای اقتصادی (شیوه تولید، اشتغال، بیکاری، و...) و همچنین بیشترین اثرات غیر مستقیم بر کارکردهای سایر ساختارها چون ساختارهای اجتماعی، ساختارهای محیطی و کالبدی داشته است. بنحوی که ساختارهای اقتصادی بر شاخصه‌های ساختارهای اجتماعی- فرهنگی من جمله سطح سواد و آموزش، سطح آگاهی، دستیابی به امکانات و خدمات، مهاجرت و... و همچنین بر شاخصه‌های ساختارهای محیطی چون شیوه استفاده از منابع آب و خاک، بر مطلوبیت شاخصه‌های ساختارهای کالبدی چون: کیفیت مسکن، نوع مصالح، کیفیت دفع پسماند و زباله و... اثر داشته است. این اثرات به نوعی در ارتباط با دستیابی به توسعه در سکونتگاه‌های روستایی بازدارنده عمل کرده‌اند و در صورت اصلاح ساختاری- کارکردی می‌توانند به عنوان عوامل پیش برنده عمل نمایند.

البته نقش عوامل بیرونی چون ساختارهای سیاستگذاری (تمرکز گزائی و شهرگرائی، توجه به صنعت و بی توجهی به بخش کشاورزی و...) در بازدارندگی و پیش برندگی ساختارهای اقتصادی در استان لرستان را همانطور که در پیش اشاره شد پررنگ تر از ساختارهای اقتصادی درونی لرستان باید دانست به نوعی که این نیروها و عوامل بیرونی موجب انتقال سرمایه و نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت و خدمات و همچنین تغییرات شیوه تولید (آنها صرفاً در سکونتگاه‌های روستایی بزرگ و واقع شده در کنار کریدورهای توسعه یافته) بهره‌برداری بی‌امان و غیر اصولی از منابع آب و... شده است.

۳- ساختارهای برنامه‌ریزی و نقش عوامل پیش برنده و بازدارنده دستیابی به توسعه متوازن در استان لرستان

ساختارهای برنامه‌ریزی به تبع ساختار سیاست گذاری کلان اثرات فضایی خود به صورت قطبی‌سازی توسعه در لرستان نشان داده است به نحوی که برنامه‌ریزی بخشی در خصوص سکونتگاه‌های روستایی و نظام برنامه‌ریزی شهرگرا و صنعت گرا در سطح کلان که تا پایین ترین سطوح برنامه‌ریزی یعنی سطح محلی به عنوان یک نگرش غالب رسوخ نموده است موجبات توسعه نامتوازن را در لرستان فراهم نموده است به نحوی که طی چندین دهه گذشته چند سکونتگاه شهری منطقه لرستان (بروجرد، خرم‌آباد، الیگودرز و...) که در مرکزیت کریدورهای توسعه، رشد و گسترش یافته‌اند و سکونتگاه‌های روستایی همجوار و نزدیک به کریدورها و قطب‌های توسعه که عمدتاً روستاهای در حال گذار و یا شهرک‌های خدماتی فاقد سرشت تولیدی هستند نسبتاً توسعه یافته شده‌اند و بالعکس سکونتگاه‌های روستایی حاشیه کریدورها و قطب‌های توسعه یافته دچار نارسائی‌های ساختاری - کارکردی متعدد می‌باشند و از ثمرات توسعه بی بهره شده‌اند. و در واقع اثر ساختارهای برنامه‌ریزی در سطح استان لرستان برای دستیابی به توسعه متوازن باز دارنده عمل نموده‌اند. و این بازدارندگی در ساختارهای درونی چون اجتماعی- اقتصادی و کالبدی- محیطی خود را به نحوه بارز نشان داده است (با توجه به آنچه در خصوص اثرات مستقیم و غیر مستقیم ساختارهای اجتماعی- اقتصادی و کالبدی- محیطی بیان شد).

۴- ساختارهای اجتماعی و تاثیر پیش برنده و بازدارنده دستیابی به توسعه متوازن در استان لرستان

با توجه به نتایج مربوط به آزمون تحلیل مسیر مشاهده می‌شود که ساختارهای اجتماعی بعد از ساختار برنامه‌ریزی بیشترین مجموع اثرات مستقیم و غیر مستقیم را بر توسعه نامتوازن داشته است و در تشریح این اثرگذاری باید گفت که ساختارهای اجتماعی بیشترین اثر مستقیم را بر ناپایداری کارکردهای اجتماعی (سطح سواد، آموزش و آگاهی بخشی، نو آوری، مشارکت حداقلی، تعاونی‌ها، مهاجرت و...) داشته است. همچنین این ساختارهای اثرات غیر مستقیمی نیز بر کارکردهای سایر ساختارها چون ساختارهای محیطی، ساختارهای کالبدی، ساختارهای اقتصادی داشته است. در ارتباط با اثرات غیر مستقیم ساختارهای اجتماعی بر ساختارهای محیطی مواردی چون نگرش نسبت به حفظ محیط، مدیریت پسماند، تخریب منابع طبیعی، در ارتباط با اثر ساختارهای اجتماعی بر ساختارهای کالبدی مواردی چون نحوه مشارکت در امور توسعه کالبدی روستا، نحوه مشارکت در طرح‌های کالبدی، فضا بندی مسکن و در ارتباط با اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم ساختارهای اجتماعی بر ساختارهای اقتصادی مواردی چون عدم نوآوری در تولید، شیوه‌های سنتی تولید، واسطه‌گری، اقتصادی نکردن فعالیت‌های تولیدی و... می‌توان اشاره نمود.

۵- ساختارهای کالبدی و عوامل پیش برنده و بازدارنده دستیابی به توسعه متوازن در استان لرستان

با توجه به نتایج مربوط به آزمون تحلیل مسیر باید اشاره نمود که ساختارهای کالبدی بیشترین اثر مستقیم را بر ناپایداری کارکردهای کالبدی (عدم مطلوبیت دسترسی به امکانات و خدمات، عدم کیفیت مسکن، عدم کیفیت معابر) داشته است. همچنین بر ساختارهای اقتصادی چون مالکیت‌ها، شیوه کشت و کار، شیوه آبیاری و... بر ساختارهای اجتماعی چون عدم دسترسی مناسب به امکانات و خدمات، عدم وجود فضاهای عمومی و مشارکتی و... چون اثر گذاشته است.

۶- ساختارهای محیطی - اکولوژیکی و نقش عوامل پیش برنده و بازدارنده دستیابی به توسعه متوازن استان لرستان

با توجه به نتایج مربوط به آزمون تحلیل مسیر باید اشاره نمود که ساختارهای محیطی بیشترین اثر مستقیم را بر ناپایداری کارکردهای محیطی (سرمایه زودرس، سرما زدگی، ناهمواری اراضی برای زراعت،) داشته است. و همچنین اثرات مستقیمی بر ساختارهای اقتصادی چون، نوع کشت، الگوی کشت، فصلی بودن کشت و کار، و.. اثرات مستقیمی بر ساختارهای اجتماعی من جمله نوع پوشش، شیوه‌های خاص گرمایش و خنک کردن منازل و... اثرات مستقیمی بر ساختارهای کالبدی چون الگوی مسکن، شکل و الگوی معابر، موقعیت استقرار روستاها و... داشته‌اند. در همین ارتباط پیشنهادات اصلی بدین ترتیب می‌باشد:

کالبدی- محیطی: ۱- ایجاد پیوندهای ارتباطی جدید بین شهر و عرصه‌های روستایی و عرصه‌های روستایی با یکدیگر به منظور بهبود فعالیت و روابط فضایی ۲- باز پخش و تقویت مراکز خدماتی نه صرفاً با ملاک آستانه جمعیتی بلکه بر گرفته از آستانه مراجعات مراکز و با تحلیل فضایی درست از زمان، فاصله و هزینه‌های دسترسی اجتماعی- فرهنگی: ۱- ایجاد بسترهای مشارکت‌زا در امور روستاها (اعم از کالبدی، اجتماعی و اقتصادی) از طریق ظرفیت‌سازی و نهادسازی جدید (تعاونی‌ها، صندوق‌های توسعه، تشکل کارآفرینی و...) ۲- توانمندسازی جامعه محلی از طریق آموزش و آگاهی بخشی در امور مختلف روستا مطالعات فرسنگی
اقتصادی: ۱- بسترسازی برای پیوند بین صنعت و کشاورزی، ۲- تمهیدات لازم برای دسترسی به بازار فروش (تشکیل بازارچه‌های محلی، فناوری اطلاعات و...) ۳- توسعه فعالیت‌های کارآفرینی مرتبط با بخش کشاورزی و غیر کشاورزی ۴- بازپخش و نگهداشت جمعیت و فعالیت از طریق احصاء پتانسل‌های اقتصادی تمامی سکونتگاه‌ها روستایی

References

- Aliaee, Mohammad Sadegh (2015), An Analysis of the Rural Social Participation Approach in Sustainable Rural Development Plans with Emphasis on Iranian Rural Community. Iranian Journal of Social Development Studies, Seventh Year, No. 3, Fall, 80-69. [In Persian]
- Badri, Seyed Ali, and Akbarian Ronizi, Saeed (2006) Determination of Developmental Levels of Rural Areas of Kamyaran County Geographical Research Quarterly 21 (3). , [In Persian]
- Faraji Stabbar, Hassan Ali, et al. (2015) Analysis and Evaluation of Residential Development in Urban Areas of East Azerbaijan Province with a New Combination of Multi-criteria

- Decision Making Methods, Journal of Geographical Space Preparation, Vol. 5, no 17, pp. 27-53, [In Persian].
- Goletsis, y. and Chletsos, M. 2011. Measurement of Development and Regional Disparities in Greek Periphery: A Multivariate Approach. Socio-Economic Planning Sciences, 45 (4): 174-183.
- Moradi, Abolfazl (1396), PhD Thesis: Feasibility Study of Physical-Spatial Sustainable Development in Abhar District of Zanjan, Shahid Beheshti University, Faculty of Earth Sciences, Department of Human Geography and Preparation. , [In Persian]
- Nasiri, Hussein 2000, Sustainable Development of the Third World Perspective, Publishing Culture and Thought, Tehran. , [In Persian]
- Papeli Yazdi, Mohammad Hossein; Ebrahimi, Mohammad Amir (2008) Rural Development Theories, Tehran, samt. , [In Persian]
- Razvani, MR (2011) Rural Development Planning in Iran Tehran, ghomes. , [In Persian]
- Saidi, A, Hoseini hasel, S. (2010). Locating foundation And the establishment of new villages. First Edition, [In Persian], Tehran: Housing Foundation of Islamic Revolution. , [In Persian]
- Saidi, A. (2012). Structural-functional dynamism , a systematic approach in spatial studies. Journal of the Geographical Society of Iran, (29), pages 7-16.[In Persian].
- Saidi, A. (2013), Structural-functional dynamism, an alternative approach in apatial planning. Journal of Space economy and rural development, (1), pages 1-18. [In Persian]
- Statistical Center of Iran. (2012). Population and Housing Census of Abhar and Khoramdarreh cities, [In Persian] , Tehran. Publication of Statistical Center of Iran.
- Statistical Center of Iran. (2017). Population and Housing Census of Abhar and Khoramdarreh cities, [In Persian] , Tehran. Publication of Statistical Center of Iran.
- Taleshi, Mehdi and Salehi Fard, Mohammad (2010), Evaluation of Rural Settlement Development System with Integrated Approach to Taxonomic Spatial Assessment Patterns and Factor Analysis, Geography, Volume 8, Number 27. , [In Persian]
- United Nation. (2007 (. indicators of sustainable development: Guidelines and methodologies. New Yourk. www.un.org/esa/sustdev.
- World bank(. 2010 (. land use and physical planning: published by the World Bank in January.
- Zahedi, Mohammad Javad; Ghaffari, Gholamreza; Ebrahimi Luyeh, Adel (2012) Theoretical Shortcomings of Rural Development Planning in Iran. Journal of Rural Research, Third Year, S 4, Winter, 1-24. , [In Persian]
- Zamani Pour, Asadollah (2008), Agricultural Promotion in Mashhad Development Process, Ferdowsi University. , [In Persian]
- United Nation.(1996 (. indicators of sustainable development: framework and methodologies. New Yourk. www.un.org/esa/sustdev.
- World bank(. 2010 (. land use and physical planning: published by the World Bank in January.
- WSSD. (2002). Plan of Implementation of the World Summit on Sustainable Development, Retrieved November (2015) from: <http://www.un.org/esa/sustdev/documents/>.